

متن پرسش

سلام علیکم و عرض ادب: بنده حدود ۱۰ سال پیش دچار وسواس شدم. طی چند سال تشدید پیدا کرد و از این جهت پیگیر درمان شدم. طرق مختلفی برای درمان طی شد؛ از طب جدید و سنتی گرفته تا... . از هر طریقی فوایدی برای بنده حاصل شد منتها هنوز بهبودی کامل بدست نیامده بود. نهایتاً آنچه برای بنده به شدت مفید بود، استفاده از نگاه عرفانی و بهره‌گیری از علوم عقلی فلسفی بود که بحمدالله تا حد زیادی به بنده کمک کرد. با این وجود همچنان مقداری آشفتگی فکری وجود دارد که البته چندان بروزی ندارد که اطرافیان متوجه مشکل شوند. توصیه‌های حضرتعالی هم مطالعه شد. اگر توصیه‌ی خاصی بابت مشکل بنده دارید بفرمایید لطفاً و اینکه در یکی از توصیه‌ها اجتناب از تحریک احساسات را فرموده بودید که در بعضی مصادیق برای بنده مبهم است؛ یکی اینکه، بنده شخصیت شاد و خوش‌ذوقی دارم که با خونگرمی و معاشرت و خندیدن با دوستان شناخته می‌شوم این رویه برای بنده مضر است؟ (ترک این شخصیت برای خودم نگران‌کننده می‌باشد) همچنین اینکه روزه و درددل با اهل بیت علیهم السلام را برای خود ضروری می‌دانم، اجتناب از این مجالس برایم مشکل است، آیا ترک این مجالس ضرورت دارد؟ تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان‌طور که متوجه شده‌اید هر اندازه ذهن خود را در امور معرفتی و تدبّر در قرآن صرف کنیم، تأثیر امور وهمی ضعیف و ضعیف‌تر می‌شود و در این رابطه کتاب «ادب خیال و عقل و قلب» که روی سایت هست، متذکر نکاتی می‌باشد. اتفاقاً روحیه شاد و حضور در مجالسی که نظر به سیره و شخصیت اهل البیت در آن هست، بسیار مفید خواهد بود. موفق باشید